

فصل‌نامه جندی‌شاپور، دانشگاه شهید چمران اهواز

سال سوم، شماره ۹، بهار ۱۳۹۶

بغ بانو یا شهبانو (در تفسیر شخصیت زن نقش برجسته نرسه در نقش رستم)^۱

میخایل شنکار^۲

ترجمه زهرا ثبوت^۳

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۲/۲

تاریخ پذیرش: ۹۷/۲/۱۳

نقش برجسته ساسانی نرسه (۲۹۳ تا ۳۰۳م) در نقش رستم نشانه نخستین بازگشت به ترکیب بندی «تاجگذاری ایستاده» در هنر ساسانی از زمان اردشیر اول است (تصویر ۱ و ۲).^۴ نقش برجسته به صورت ترکیب بندی نامتقارنی از پنج پیکر نمایش داده شده است، در سمت راست صحنه، پیکر پادشاه در حال

۱. این مقاله ترجمه‌ای است از:

A. ?

, *Scripta Antiqua* 3. Edward Rtveldze Felicitation Volume, 2013, p 612-632.

۲. استاد مطالعات پیش از اسلام در دانشگاه عبری اورشلیم michael.shenkar@gmail.com

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ ایران باستان دانشگاه تهران Zahra.Sobout@gmail.com

4. *Herrmann G. Naqsh-i Rostam 5 and 8, Sasanian Reliefs Attributed to Boyce M. A History of Zoroastrianism. Vol. 1: The Early Period. Leiden, Hormuzd II and Narseh. B., 1977 (Iranische Denkmaler. 8). P. 9° 11. Fig. 2. Pl. 8° 14a; Vanden Berghe L. Reliefs rupestres de l'Iraancient. Brussels, 1984. 75.*

بنابر نظر وبر، متعلق به پس از ۲۸۹ م است.

(Weber U. Zu den Feldbildnissen des Königs Narseh // Sources for the History of Sasanian and Post-Sasanian Iran / Ed. R.Gyselen. Bures-sur-Yvette, 2010 (Res Orientalis. 19).P. 305° 321).

درباره نرسه و پادشاهی او بنگرید به:

Weber U., Wiesehofer J. König Narsehs Herrschaftsverständnis // *Commutatio et Contentio. Studies in the Late Roman, Sasanian, and Early Islamic Near East in Memory of Zeev Rubin* / Ed. H.Borm, J.Wiesehofer. Düsseldorf, 2010. P. 89° 133; Weber U. Narseh, König der Könige von r n undAn m // *IA. 2012. 47. P. 153° 302*

دریافت دیهیم پادشاهی الهی از دست زنی با تاجی کنگره‌دار و بدون حجابی بر سر، و فاقد کوریمبوس^۱ سلطنتی است یعنی پارچه‌ای که روی موهای جمع شده را می پوشاند. دست چپ پادشاه به دسته شمشیر تکیه داده و دست چپ زن در زیر آستین بلند لباسش پنهان شده است. میان آنها یک شخصیت کوتاه قامت قرار دارد که یادآور همان دو شخصیت کوتوله در نقش برجسته اردشیر اول است که در نقش رجب^۲ به تصویر کشیده شده است. پشت پادشاه تصویر دو تن از اشراف زادگان نقش بسته است که به نشانه احترام دست راست خود را بالا برده‌اند.^۳



تصویر ۱: نقش برجسته نرسه در نقش رستم

علی‌رغم نبود کتیبه، در قیاس با نقش برجسته نخستین پادشاه ساسانی، اردشیر یکم، که در آن تاجگذاری نمادین توسط اهوره مزدا انجام می شود، در نقش برجسته نرسه پیکر زنی به چشم می خورد که طبق سنت میان پژوهشگران به عنوان بغبانو آناهیتا شناخته می شود. با این حال نظرات دیگری نیز وجود دارد که این تصویر را مربوط به شهبانوی ساسانی می داند و اخیراً نیز طرفداران زیادی پیدا کرده است. هدف این

۱. کوریمبوس (به فرانسوی: Korymbos) نوعی آرایش مو بود که به وسیله شاهان ساسانی به کار می رفت و شامل شینیونی بود که بر بالای سر به شکل یک گوی جمع می شد و دور آن می توانست به وسیله پارچه ای پوشانده شود. این شینیون می توانست از موی مصنوعی درست شده باشد. (مترجم)

2. Vanden Berghe L. Reliefs rupestres de l Iran ancien. 52

۳. بنظر می آید که یکی از پیکره‌ها ناتمام باقی مانده است.

مقاله تحلیل و بررسی هر دو دیدگاه بر مبنای استدلال‌های نوین است و سعی ما بر این است که در این خصوص به یک نتیجه مستدل برسیم: تصویر زن در نقش برجسته نرسه متعلق به کیست؛ شهبانو یا بغبانو؟



تصویر ۲: طراحی هرمان از نقش برجسته نرسه در نقش رستم
(Herrmann G. Naqsh-i Rostam 5 & 8 .Fig2)

آناهیتا (فارسی میانه *An h*) یکی از مهمترین بغبانان زردشتی است. نام او در سرودهای نیایش ایزدان اوستایی به صورت سه بخشی (*ar duu s raan hi*) آمده که به طور سنتی «نمناک، نیرومند، نیالوده» ترجمه می‌شود^۱ و در اوستا عمدتاً آناهیتا به عنوان بغبانوی آب شناخته شده است. لازم

۱. بنگرید به:

Boyce M. A History of Zoroastrianism. Vol. 1: The Early Period. Leiden 1975. P. 71

ترجمه‌های دیگری توسط شروو پیشنهاد شده به معنی «بلندمرتبه، زندگی‌بخش، لکه‌دار نشده و شوی ناکرده»:

Skjærvø P.O. Ahura Mazda and rmaiti, Heaven and Earth, in the Old Avesta) JAOS. 2002. 122/2. P. 400.

و ژ. کلنز نیز قائم/عمودی، آگاه، توانا، نیرومند و غیروابسته را پیشنهاد داده است:

Kellens J. Le problème avec An hit // Orientalia Suecana. 2002° 2003. 51° 52. P. 321° 323.

به ذکر است که در اوستا هیچ عبارتی دال بر باور به آناهیتا به عنوان بغبانوی عشق یا جنگاوری وجود ندارد، فقط غیر مستقیم به توانایی شفابخشی او اشاره می‌شود.^۱

قدیمی‌ترین منبع تاریخی موثقی که نام آناهیتا در آن ذکر شده مربوط به کتیبه اردشیر دوم هخامنشی (۴۰۴-۳۵۹ ق.م) است.^۲ آناهیتا تنها بغبانوی است که نام او در کتیبه‌های هخامنشی در کنار میترا و اهوره مزدا ذکر شده است. نقل قولی منسوب است به بروس روحانی بابلی که به زبان یونانی و در دوره هلنیستی نوشته شده که به ساخت مجسمه آناهیتا در شهرهای مختلف شاهنشاهی در دوره اردشیر دوم اشاره می‌کند: شهرهایی چون بابل، شوش، هگمتانه، پارسه، باکتريا، دمشق و سارد از آن جمله‌اند.^۳ به سختی می‌توان گفت چقدر این اطلاعات قابل اعتماد هستند چرا که داده‌های باستان‌شناختی وجود این پیکره‌ها در ایران را فقط در دوره هلنیستی تأیید می‌کند.^۴

نام آناهیتا در میان خدایانی که نامشان در الواح تخت جمشید ذکر شده وجود ندارد.^۵ همچنین در این دوره شاهی بر پرستش این بغبانو یا تصویر قابل اعتمادی که منتسب به او باشد به چشم نمی‌خورد؛ لازم به ذکر است که در هنر یادمانی دوران هخامنشی به ندرت ممکن است به تصویر زنی برخوریم، تصاویر زنان ممکن است گاهی در حکاکی مهرها دیده شود.^۶ بسیار محتمل است که تصاویری چند ازین

۱. بنگرید به:

Kellens J. Le problème avec Anahita. P319.

۲. بنگرید به:

Lecoq P. Les inscriptions de la Perse achéménide. P.1997. P. 269° 275).

3. Clem. Al. Protr. V. 65. 3.

۴. بطور کلی این شرایط نباید ما را شگفت‌زده کند، زیرا ساختن مجسمه‌های ایستاده یادمانی عملاً در دوره هخامنشی ناشناخته بود.

۵. بنگرید به پژوهش هنکلمن:

Henkelman W.F.M. The Other Gods who are: Studies in Elamite-Iranian Acculturation Based on the Persepolis Fortification Texts. Leiden, 2008.

۶. بنگرید به پژوهش:

Lerner J.A. An Achaemenid Cylinder Seal of a Woman Enthroned // The World of Achaemenid Persia. History, Art and Society in Iran and in Ancient Near East / Ed. J.Curtis, J.Simpson. L., 2010. P. 153 ,

که در آن گزارشی از داده‌های تصویری با ارجاع به متون مربوط به آن گردآوری شده است.

زنان سلطنتی که تاج کنگره‌دار به سر دارند تصویر این بغبانو باشند.^۱ با این حال شمایل‌نگاری آنها معمولاً حاوی هیچ‌گونه ویژگی ایزدی بخصوصی نیست؛ احتمالاً این تصاویر مربوط به شهبانوان یا زنان اشراف‌زاده رده بالا باشد.

دو عدد مهر استوانه‌ای که به سبک موسوم به ایرانی-یونانی ساخته شده اغلب نمونه تصویر آناهیتای هخامنشی شناخته می‌شود؛ یکی از آنها که ابتدا بخشی از مجموعه د. کلرک بود، تصویر اهدای کبوتر به زنی از خانواده سلطنتی که بر تخت نشسته و تاجی کنگره‌دار و حجاب بلندی بر سر دارد را نشان می‌دهد (تصویر ۳).^۲ اینگونه پوشش سر غیر معمول که چندان در هنر هخامنشی دیده نمی‌شود و همچنین کبوتر که بر طبق سنت، برخی از بغبانوان خاورمیانه‌ای را تداعی می‌کند، می‌تواند شواهدی بر طبیعت ایزدی این زن در این مهر باشد.^۳

۱ تصاویری مشابه روی حلقه‌هایی از گنجینه آمودریا وجود دارد:

Dalton O.M. The Treasure of the Oxus L., 1964. 38, 103° 10;

و بر روی یک لوح طلایی از این گنجینه که در ۱۹۹۳ در افغانستان یافت شد:

Grenet F. Cosa sappiamo dei pellegrinaggi nel mondo iraniano preislamico? /La bisaccia del pellegrino: fra evocazione e memoria / Ed. A.Balbeo, S.Piano. Torino, 2010. Pl. 8;

در جواهراتی از موزه پیشاور:

Callieri P. Seals and Sealings from the North-West of the Indian Subcontinent and Afghanistan (4th Century B.C. ° 11th Century A.D.): Local, Indian, Sasanian, Graeco-Persian, Sogdian, Roman Naples, 2010. 4.1-3);

و بر روی فرشی باستانی یافت‌شده در منطقه باستانی پازیریک:

37. 2009. 67

2.

۳. بنگرید به:

Lerner J.A. An Achaemenid Cylinder Seal... 159.

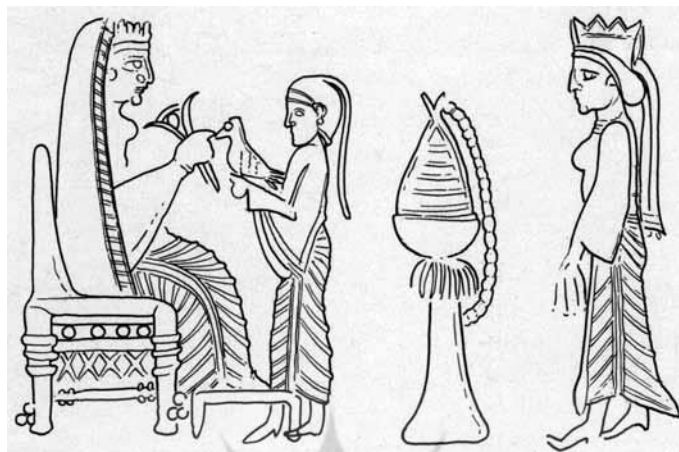
۴. بنگرید به پژوهشی از:

Brosius M. The Royal Audience Scene Reconsidered // The World of Achaemenid Persia. History, Art and Society in Iran and in Ancient Near East / Ed. J.Curtis, J.Simpson L., 2010. P. 143° 148

که در آن، تصویر روی این مهر، صحنه باریابی نزد بانویی والا مقام دانسته شده است.

مهر دوم که در گورگیپیا^۱ یافت شده تصویر زنی را با تاج کنگره‌دار در هاله‌ای از نور نشان می‌دهد که بر روی شیری ایستاده و در مقابل او مردی در لباس سلطنتی هخامنشی ایستاده است (تصویر ۴).^۲ در این مهر بی‌شک تصویر یک ایزدبانو نمایش داده شده که از نظر شمایل‌نگاری به ایزدبانوی بزرگ بابلی ایشتار، در هنر آشوری-اورارتویی (۹-۸ ق.م) بسیار نزدیک است،^۳ تنها تفاوت ایزدبانوی روی مهرهای یافت شده گورگیپیا با ایزدبانوی آشوری-اورارتویی ایشتار تاج کنگره‌دار هخامنشی اوست. این مهر در واقع تنها مدرک معتبر از بغ‌بانوی هخامنشی است که عموماً آن را با آناهیتا یکی می‌دانند.^۴ در پژوهش‌ها به‌طور گسترده‌ای این باور وجود دارد که شمایل‌نگاری و پرستش بغ‌بانو آناهیتا تحت تأثیر فراوان ایشتار بوده است؛^۵ با این حال شواهدی که از این تأثیر وجود دارد غیرمستقیم و به‌طور کلی مربوط به دوره‌های اخیر است؛ در واقع ما هیچ اطلاعات قابل اعتمادی نداریم مبنی بر اینکه آناهیتا و ایشتار در دورهٔ هخامنشی یکی انگاشته شده باشند.^۶

۱. گورگیپیا شهری باستانی بر کرانه دریای سیاه است که در قرن ۳ تا ۴ پیش از میلاد بخشی از پادشاهی بوسفور بود. (مترجم)
2. Boardman J. Greek Gems and Finger Rings. L., 1970. 878; Idem. Persia and the West. An Archaeological Investigation of the Genesis of Achaemenian Art. L.2000. 165. Fig. 5.19.
۳. نزدیک ترین نمونه به آن نشان‌های نقره‌ای یافت شده از منطقه زینجیرلی هستند: (Ornan T. I tar as Depicted on Finds from Israel // Studies in the Archaeology of the Iron Age in Israel and Jordan / Ed. A.Mazar. Sheffield, 2001. Fig. 9.14 و تصویر روی یکی از مهرهای نو آشوری: (Ibid. Fig. 9.16)
۴. تنها در میان کارهای تطبیقی اخیر بنگرید به: Comparesi M. The Eight Pointed Rosette: A Possible Important Emblem in Sasanian Heraldry // Parthica. 2007. 9. P. 209° 210; Grenet F. Iranian Gods in Hindu Garb. The Zoroastrian Pantheon of the Bactrians and Sogdians, Second Eighth Centuries // BAI. 2006 [2010]. 20. P. 87. Fig. 1
۵. برالد مثال بنگرید به: Panaino A. The Mesopotamian Heritage of Achaemenian Kingship // The Heirs of Assyria. Proceedings of the Opening Symposium of the Assyrian and Babylonian Intellectual Heritage Project. Held in Tvärminne, Finland, October 8- 11, 1998 / Ed. S.Aro, R.M.Whiting. Helsinki, 2000 (Helsinki: The Neo-Assyrian Text Corpus Project 2000). P. 37° 38.
۶. لازم است ذکر شود که مهر یافت شده از گورگیپیا اغلب به عنوان نشانه‌ای از تأثیر ایشتار بر شمایل‌نگاری آناهیتا شناخته شده و گویی تعلق تصویر روی مهر به آناهیتا یک واقعیت غیرقابل انکار انگاشته می‌شود. تنها عنصری که در توصیف



تصویر ۳: مهر استوانه ای هخامنشی، از مجموعه سابق د. کلرک

(Moorey P.R.S. Aspects of Worship and Ritual on Achaemenid Seals // Akten des VII. Internationalen Kongresses für Iranische Kunst und Archeologie. B., 1979 (AMI. Ergänzungsband 6). Pl. 1. Fig. 5)

تصویر ایزدبانوی روی مهر یافت شده از گورگیبیا شباهت چندانی با آناهیتا در یشت پنجم ندارد.^۱ همچنین باید یادآور شد که آناهیتا هیچگاه با شیر که همراه همیشگی نانا (ایزدبانوی بزرگ آسیای میانه و

اوستایی آناهیتا به تاثیرپذیری از شمایل‌نگاری میان‌رودانی اشاره دارد احتمالاً «هشت گوشه» بودن تاج آناهیتا در یشت ۱۲۸/۵ است.

Panaino A. The Mesopotamian Heritage of Achaemenian Kingship. P. 38 (n. 16)

در هنر ایلامی و آشوری اغلب تاج‌هایی شبیه برج‌های دژ سر شهبانوان را پوشانده است.

Álvarez-MondjuñThenArj nnTomb At the Crossroads of the Elamite and thePersiani Empires. Leuven, 2010 (AI. 49). P. 58° 61. Pl. 23° 24.b

۱. این را نیز باید در نظر داشت که براساس نظر مستدل آ.د. یونگ، خود مسئله اهمیت اوستا در فهم پیکرنگاری ایرانی بسیار بحث‌برانگیز است: «اوستا به عنوان منبع تصاویر یا روایات سنتی شناخته نمی‌شد و کاربرد عملی آن در زمینه‌هایی چون سیاست، تبلیغات، یا متکلف نویسی بسیار محدود بود. بهترین گزینه این است که آن‌ها را مجموعه‌ای از سرودهای مذهبی در حافظه روحانیون بدانیم.»

De Jong A. The Culture of Writing and the Use of the Avesta in Sasanian Iran // Zarathushtra entre l'nde et l'An: tudes indo-iraniennes et indo-européennes offertes à Jean Kellens à l'ccasion de son 65e anniversaire / Ed. P.Pirart, X.Tremblay. Wiesbaden, 2009. P. 38.

سرسلسله خدایان سعدی-باکتریایی) و ایشتار بوده، همراه نبوده است.^۱ در نتیجه اگر بخواهیم حتماً به دنبال بغبانوی همتای ایشتار در ایران بگردیم بنظر می آید نانا گزینه مناسب تری نسبت به آناهیتا باشد.^۲ با این حال به نظر ما بسیار منطقی تر است که تصویر ایزدبانوی روی مهر یافت شده در گورگیپا مربوط به خود ایزدبانوی بابلی ایشتار باشد. هیچ عجیب نیست که تصویر را مربوط به شاهنشاه هخامنشی در حال پرستش ایزدبانوی میان رودان بدانیم و لزومی ندارد فرض بگیریم که هر یک از این ایزدان غیر ایرانی لزوماً یک همتا و نمونه مشابه ایرانی نیز داشته اند.

این ایده که اوستا به عنوان یک کتاب مقدس، قابل مقایسه است با کتاب مقدس یهودی هلنیستی یا کتاب مقدس مسیحی که داستان های آن میتواند برای هرکس منبع الهام باشد، قطعاً گمراه کننده است. (Ibid. P. 90)

۱. الیان (NA. XII. 23) به شیرهایی اشاره می کند که در معبد آناهیتا در ایلام نگهداری می شدند؛ ولی به نظر می آید این داده ها به معبد بغبانو نانا مرتبط باشد که پرستش او بطور گسترده ای در شوش رواج داشت.

Boyce M., Grenet F. A History of Zoroastrianism. Vol 3: Zoroastrianism under Macedonian and Roman Rule. Leiden, 1991. P. 47° 48; De Jong A. Traditions of the Magi: Zoroastrianism in Greek and Latin Literature. Leiden, 1997. P. 274 (n .94).

همچنین در مورد نانا بنگرید به:

Ambos C. Nanaja eine ikonographische Studie zur Darstellung einer altorientalischen Göttin in hellenistisch-parthischer Zeit // Zeitschrift für Assyriologie. 2003. 93/2. S. 231° 272; Ghose M. Nana: The Original Goddess on the Lion // JIAAA. 2006. 1. P. 97° 113.

۲. بطور کلی در میان پژوهشگران گرایش گسترده ای به یکی انگاشتن نانا و آناهیتا وجود دارد، ضمن آنکه اغلب این را به صورت حقیقتی بدیهی می پذیرند... اما در واقع این موضوع پیچیده تر از آن است که بنظر می رسد و بحث درباره آن در چارچوب مقاله حاضر نمی گنجد. تنها می توان اشاره کرد که ما هیچ گونه متن یا شمایل نگاری متقنی نداریم که ثابت کند آناهیتا با نانا مرتبط است.

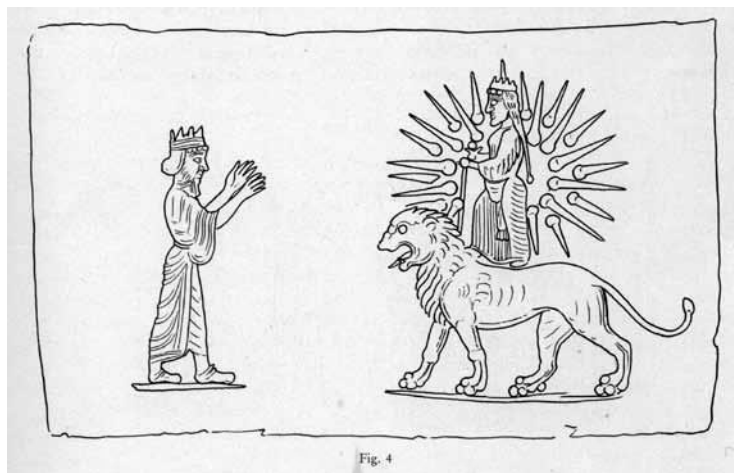


Fig. 4

تصویر ۴: مهری یافت شده در منطقه گورگوییپا

(Moorey P.R.S. Aspects of Worship and Ritual..Pl. 1, Fig. 4)

از آن‌ها تنها در دوران هلنیستی و اشکانی تصویر معتبری در دست نداریم، هر چند دلیلی وجود ندارد فرض کنیم که پس از چیره شدن مقدونیان پرستش او در ایران دچار تغییراتی شده باشد. این مسئله با انبوه داده‌های مختلفی که دربارهٔ رواج پرستش آن‌ها تنها در آسیای صغیر سراغ داریم، یعنی جایی که این بغبانو، طبق معمول در قامت بغبانو «آرتمیس افسوسی»^۱ ظاهر شده است، در تضاد آشکار است. با این حال مشخص نیست که خویشکاری و آیین پرستش آن‌ها تنها در آسیای صغیر با بغبانوی ایرانی یکی بوده باشد یا تنها شباهتشان در نام است.

به آن‌ها تنها در دو نشان فلزی و در کتیبه‌های یافت شده در پالمیر^۲ نیز اشاراتی شده؛ در منابع همچنین گزارش‌هایی آمده است مبنی بر وجود مجسمه‌های انانیت در معابد پیشامسیحی ارمنستان که از چوب ساخته شده و با فلزات گرانبها تزیین شده بودند.^۱

۱. دربارهٔ آیین پرستش و شمایل نگاری آن‌ها تنها در آسیای صغیر بنگرید به:

Reding-Hourcade N. Recherches sur l'iconographie de la déesse Anahita // Archéologie et religions de l'Anatolie ancienne: Mélanges en l'honneur du professeur Paul Naster / Ed. R.Donceel, R.Lebrun. Louvain, 1983. P. 199° 209; Boyce M., Grenet F. A History of Zoroastrianism. Vol. 3... P. 211° 235

2. Ingholt H., Seyrig H., Caquot A. Recueil des tessères de Palmyre. P., 1955. 166° 167; Kaizer T. The Religious Life of Palmyra, Stuttgart, 2002. P. 159.

برخلاف هنر هخامنشی، در هنر ساسانی میزان قابل توجهی تصاویر زنان به کار رفته است. در گذشته گرایش گسترده‌ای وجود داشت به اینکه همه تصاویر زن در نقش برجسته‌های ساسانی را آناهیتا بشناسند. این گرایش هدف انتقادهای منصفانه‌ای قرار گرفته^۲ و امروزه از میان پژوهشگران رخت بر بسته است. پیکرهای زنانه‌ای که غالباً به عنوان آناهیتا شناخته می‌شوند به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند:

۱. زنان جوانی با گل که مضمون غالب سنگ‌نگاره‌های ساسانی است^۳ گذشته از آنکه با آناهیتا یکی دانسته شده، به عنوان تصویری از دتنا^۴ نیز پیشنهاد شده است، برخی آن را به مراسم ازدواج ربط داده‌اند^۵ همچنین می‌توان مانند حکاکای مهرهای هخامنشی آنان را زنانی اشرافی از مقامات بلندپایهٔ ساسانی دانست.

۲. شخصیت‌های زنانی که در اغلب ظروف نقره کاری ساسانی به چشم می‌خورند زنانی که آزادانه و در حال حرکت و احتمالاً رقص به تصویر کشیده شده‌اند و به‌طور معمول یا برهنه هستند یا لباس نازکی به تن دارند. این پیکرها متعلقات متنوعی دارند: برخی با دیهیم، میوه، گل، حیوانات و پرندگان، کودک، آلات موسیقی، گلدان یا شال به تصویر درآمده‌اند.^۶ اما بر سر هیچ کدام از این پیکرها تاج وجود ندارد، با این حال سر برخی از آنها در هاله نوری احاطه شده است.^۷

1. gat ange os. XXXVIII. 786 (.: Agathangelos, History of the Armenians / Ed. and tr. by R.W.Thomson. Albany, 1976); Movs sXorenac iII. 12; II. 49 (.: Moses Khorenats iHistory of the Armenians / Ed. and tr. by R.W.Thomson. Cambr.; L., 1980).

۲. بنگرید به:

Kellens J. Le problm e avec An hit . P318.

۳. برای نمونه:

Gignoux Ph., Gyselen R. Bulles et sceaux sassanides de diverses collections. P.1987. AMO 10.1° 10.6; IBT 10. 1, 10. 2; MCB 10. 2.

4. Gnoli G. A Sasanian Iconography of the D n// Bulletin of the Asia Institute.1993. 7. P. 79° 87.

5. Brunner C.J. Sasanian Seals in the Moore Collection. Motive and Meaning in Some Popular Subjects // Metropolitan Museum Journal. 1979. 14. P. 49.

۶. بنگرید به مجموعه اطلاعات گردآوری شده از تصاویر و ویژگی‌های آنها در:

D.G.Shepherd: Shepherd D.G. The Iconography of Anahita. Pt. 1 // Berytus. 1980. 28. P. 63.

۷. بنگرید به:

به جهت نداشتن تاج و لباس سلطنتی-که ویژگی جدایی ناپذیر ایزدان در هنر ساسانی است- نمی توان این پیکرها را بغبانو تفسیر کرد،^۱ با این حال هاله نور نشان می دهد که این ها تنها تصاویری از «رقصدگان» و «خنیگران» نیستند بلکه احتمالاً نوعی معنای مذهبی و نمادین دارند.^۲ متقاعدکننده ترین دیدگاه این است که پیشینه این رقصدگان ساسانی احتمالاً به دیونوس یونانی- رومی بازمی گردد و شخصیتی نزدیک به ماینداها^۳ دارند و با جشن ها و تشخیص ماهها و فصل های سال ارتباط دارند.^۴ احتمالاً آنان به عنوان تجسمی هنری از مفهوم جشن، فراوانی، مال و خواسته فراخوانده می شدند و تصویرشان بر روی ظروف ارزشمند نقره صرفاً جنبه تزئینی داشت.

۳. زن برهنه ای که از خوشه انگور به پرند غول پیکری که او را حمل می کند غذا می دهد، تصویر او بر روی ظرف نقره ارمیتاژ و مهرهای ساسانی دیده می شود؛ لوکونین پیشنهاد کرد این صحنه را تصویری از اسطوره اوستایی «نجات پائوروای کشتی بان توسط آناهیتا» تفسیر کنند.^۵ با این حال پیشنهاد

18° 20' 1987.

۱. با وجود لباس های اشرافی و نوارهای دیهیم زنانه بر روی کوزه که بنام «کوزه استراگانوف» مشهور است. بنگرید به: 79. 1909.

نبودن تاج بر روی سر زن تفسیر او به عنوان یک ایزد بانو که توسط مارشاک مطرح شده بود را مورد تردید قرار می دهد:

Marshak B.I. The Decoration of Some Late Sasanian Silver Vessels and its Subject-Matter // The Art and Archaeology of Ancient Persia. New Light on the Parthian and Sasanian Empires / Ed. V.S.Curtis, R.Hillenbrand, J.M.Rogers. L.1998. P. 86; Marshak B.I. Zoroastrian Art in Iran under the Parthians and the Sasanians //A Zoroastrian Tapestry / Ed. P.J.Godrej, F.P.Mistree. Middletown, 2002. P. 142.

2. Marshak B.I. Zoroastrian Art in Iran... P. 142.

۳. در اساطیر و افسانه های رومی ماینداها زنان پرستنده دیونوس بودند و مراسم آنها با باده گساری و رقص و نواختن موسیقی همراه بود، آنها معمولاً به شکل پایکوبان و پریشان موی در حالیکه چوبی از شاخه عشقه در دست داشته اند تجسم یافته اند. (مترجم)

4. Harper P.O. Sources of Certain Female Representations in Sasanian Art // Atti del convegno internazionale sul tema: La Persia nel Medioevo. Rome, 1971.P. 503° 515; Harper P.O. Sassanian Silver. The Cambridge History of Iran. III. 2.Cambr., 1983. P. 1120, n. 2; Marshak B.I. The Decoration of Some Late Sasanian Silver Vessels... P. 86; Idem. Zoroastrian Art in Iran... P. 141; Harper P.O. In Search of a Cultural Identity: Monuments and Artifacts of the Sasanian Near East,3rd to 7th century A.D. N.Y., 2006. P. 127.

5. Тревер К.В., Луконин В.Г.

C. 89° 90.

قانع‌کننده‌تری توسط گیتی آذریبی مطرح شده در خصوص اینکه داستان اصل بودایی دارد و اشاره به ربوده شدن یک زن شوهردار توسط یک بدهی ستوه در قالب یک پرنده گارودا^۲ دارد.

در هنر ساسانی تصاویر زنانهٔ دیگری نیز وجود دارند که احتمال می‌رود آناهیتا باشند؛ قدیمی‌ترین آن‌ها تصویر زنی است با تاج کنگره‌دار که در سمت راست محراب بر روی سکهٔ هرمزد اول (۲۷۲-۲۷۳ م) نقش بسته است (تصویر ۵)^۳. از آنجا که در نوع دیگری از پشت سکه این پادشاه تصویر میترا با تاج درخشنده^۴ جایگزین پیکر زن شده می‌توان مطمئن بود که مورد اول نیز بغ‌بانو آناهیتا بوده است.^۵ او شیء بلندی در دستانش گرفته که احتمالاً برسَم (فارسی میانه: *barsom*) است. جالب توجه است که در سرود اوستایی مربوط به آناهیتا او با برسَمی در دست توصیف شده است.^۶ اگر تصویر نقش‌شده روی سکهٔ هرمزد اول واقعاً تصویر آناهیتا باشد یکی از نادرترین موارد در هنر ساسانی است که شمایل‌نگاری اسطوره با متن اوستایی مربوط به آن مطابقت می‌کند.

از چهره‌های دیگری که معمولاً به آناهیتا نسبت داده می‌شود تصویر زنی بر پشت سکه متعلق به بهرام دوم است. (۲۷۶-۲۹۳ م) (تصویر ۶). در نمونه ذکر شده ترکیب بندی اثر کاملاً شبیه صحنه تاجگذاری روی سکهٔ هرمزد اول است، با این فرق که به جای میترا، زنی با کلاه (فارسی میانه: *KOIAf*) که روی آن

-
۱. موجودی افسانه‌ای و غول پیکر در قالب نیمه انسان-نیمه پرنده که در فرهنگ هندو-بودایی وجود دارد. (مترجم)
 2. Azarpay G. A Jataka Tale on a Sasanian Silver Plate // BAI. 1995. 9. P. 99° 127.
 - روایت ساسانی این اسطوره احتمالاً با روایات ثبت شده در منابع بودایی متفاوت است: در اسطوره بودایی زن در مقابل این آدم‌ربایی مقاومت می‌کند اما همانگونه که در هنر ساسانی پیداست برعکس، او در حال غذا دادن به پرنده غول پیکر به تصویر کشیده شده است.
 3. Gobl R. Sasanian Numismatics. Braunschweig, 1971. Tab. II.2; Gyselen R. Romans and Sasanians in the Third Century: Propaganda Warfare and Ambiguous Imagery // *Commutatio et Contentio. Studies in the Late Roman, Sasanian, and Early Islamic Near East in Memory of Zeev Rubin* / Ed. H.Borm, J.Wiesehofer. Düsseldorf, 2010. P. 78. Fig. 17.
 4. Gobl R. Sasanian Numismatics. Tab. II.1; Gyselen R. Romans and Sasanians in the Third Century... P. 78. Fig. 16.
 ۵. گیزلن در مقاله اخیر خود فرضیه جالبی را مطرح کرده است: در اینجا آناهیتا با ویژگی‌های ایزدبانو تیخه ظاهر شده است. ویژگی اصلی او بر روی سکه‌های همان دوره این است که یک تاج کنگره‌دار بر سر دارد: Gyselen R. Romans and Sasanians in the Third Century... P. 78.

سردیس یک پرنده قرار دارد دیهیم پادشاهی را دراز کرده است. علاوه بر نقش برجسته نرسه پیکر زن با تاج و لباس سلطنتی در نقش برجسته خسرو دوم در طاق بستان^۱ و همچنین در یک حجاری کوچک که در گوشه پایین سمت چپ نقش برجسته ساسانی دارابگرد واقع شده نیز، به تصویر کشیده شده است (تصویر ۷).^۲



تصویر ۵: روی سکه هرمزد اول

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Fukai S., Horiuchi K. Taq-i Bistan. Vol. II. Tokyo, 1972. Pl. III° XXXIII; Vanden Berghe L. Reliefs rupestres de l' Iran ancit. . 81.

2. Vanden Berghe L. La découverte d' une sculpture rupestre a D' rbgird // IA. 1978. 13. P. 135° 149.



تصویر ۶: روی سکه بهرام دوم

تفسیر سنتی آناهیتا از این تصاویر توسط علیرضا شاپور شهبازی مورد تردید واقع شد که پیشنهاد داد تصویر زن در نقش برجسته نرسه به عنوان تصویر همسر نرسه شاپوردختک، تفسیر شود.^۱ دست چپ این زن در زیر آستین بلند پنهان است و شهبازی معتقد است این نماد جایگاه فرودست این شخصیت می‌باشد و به همین علت نمی‌تواند تصویر یک بغبانو باشد، و برای این نظر به تصویر زن بر سکه بهرام دوم ارجاع می‌دهد که به گفته محقق روی آن باز دست چپ زن بر زیر آستین پنهان است. بر مبنای خوانشی که لوکونین از روی یکی از این نوع سکه‌ها ارائه داده بود به عقیدهٔ شهبازی این تصویر متعلق به شهبانوی دیگری است که نام او نیز شاپوردختک و همسر بهرام دوم است. از آنجا که روی سر نقش برجسته دارابگرد تاج کنگره‌دار و بدون حجابی -مانند آنچه در نقش برجسته نقش رستم است- قرار دارد، این پژوهشگر ایرانی آن را نیز تصویری از همسر نرسه، شهبانو شاپوردختک می‌داند.

1. *Shahbazi A.S. Studies in Sasanian Prosopography // AMI. 1983. 16. P. 255° 269.*



تصویر ۷: بالاتنه یک زن از نقش برجسته دارابگرد

(Vanden Berghe L. La découverte d'une sculpture rupestre à Darabgard. Fig. 1)

قبل از هر چیز باید اشاره کنیم که خوانش لوکونین ظاهراً چندان دقیق نیست و نام شاپوردختک بر روی این سکه نوشته نشده است.^۱ علاوه بر این، بر روی برخی از این نوع سکه‌ها کاملاً مشخص است که دست زن کاملاً در زیر آستین پنهان نیست و حتی انگشتان زن به راحتی قابل تشخیص است.^۲ خود این فرضیه که پوشیده بودن دست‌ها در زیر آستین که نمایانگر جایگاه فرودست است اخیراً بوسیله سانتورو بسیار دقیق مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. این پژوهشگر به درستی نشان داد که گزارش گزنفون درباره این رسم معمول در دربار هخامنشی - که شهبازی بر آن تکیه داشته - احتمالاً تفسیری متاخر است

۱. بنگرید به:

Weber U. Wahr mII., König der Könige von Iran und An r t/ IA.2009. 44. P. 583° 584.

2. Curtis V.S. Royal and Religious Symbols on Early Sasanian Coins //Current Research in Sasanian Archaeology, Art and History / Ed. D.Kennet. P.Luft. Oxf., 2008. P. 140° 141. Fig. 6; Gyselen R. Les Wahramides (273° 293 A.D.). P. 208.

و هیچ‌گونه شمایل‌نگاری مبنی بر اینکه هخامنشیان واقعاً در مراسم‌هایشان دستانشان را در حضور شاهنشاه می‌پوشاندند وجود ندارد.^۱

در منابع مرتبط با دوره ساسانی، یا حداقل بخشی از منابع نزدیک به دوره ساسانی (مانند متون زردشتی به زبان فارسی میانه) از چنین حالتی سخن به میان نیامده است. اما چه در متون^۲ و چه در هنر ساسانی،^۳ تنها حالتی که برای «ایستادن در حضور شاه» ذکر شده قرار دادن دست بر روی سینه است. لازم به یادآوری است شئی باستانی بنام «یادگار دان کانشکا» (۱۹۱-۱۵۳م) پادشاه کوشانی را در لباس بلندی که آستین آن روی دست چپ را پوشانده نشان می‌دهد. (تصویر ۸)^۴ همچنین ا. سودآور توجه ما را به تصویری از چهره پادشاه کوشانی «ویما کادفیز» (۱۱۳-۱۲۷م) بر روی سکه‌هایش جلب می‌کند که در آن دست پادشاه کوشانی در زیر آستین او پنهان است.^۵ پس بدین ترتیب شکی باقی نمی‌ماند که پادشاهان نیز می‌توانند به این شکل به تصویر کشیده شوند و این مسئله عملاً تفسیر فرودست بودن و تحت انقیاد بودن را برای این حالت نقض می‌کند. پوشیدن لباسی با آستین بلند و پوشاندن دست‌ها زیر آستین در هوای سرد از دیرباز در مناطق آسیای مرکزی تا زمان‌های اخیر رواج داشته است.^۶ به نظر می‌آید کشیدن آستین روی دست صرفاً یک وسیله حفاظت از سرما در شرایط آب و هوایی سخت در آسیای میانه بود و بار معنایی خاصی نداشت.

1. Santoro A. Hands in Sleeves. A Note on Iranian-Central Asiatic Costume in Gandharan Art // EW. 2005. 55. P. 290° 291.

2. 1 () . () .

), ., 2001. 149).

3. 9.

۴. بنگرید به:

Errington E. Numismatic Evidence for Dating the Kai ka Reliquary // SRAA. 2002. 8. P. 101° 121.

5. Soudavar A. Looking through The Two Eyes of the World: A Reassessment of Sasanian Rock Reliefs // IS. 2012. 45.1. P. 36° 37.

6. Santoro A. Hands in Sleeves. P. 292° 294.



تصویر ۸: قطعه ای از یادگاردان کانیشکا در موزه بریتانیا.

همانطور که الگوی تصویر اهوره مزدا شاهنشاه ساسانی بود^۱ نزدیک‌ترین الگو برای به تصویر کشیدن آنها نیز باید شهبانوی ساسانی باشد و دشواری اصلی برای شناسایی پیکر زن در نقش برجسته نرسه در همین نکته نهفته است. با این حال ما هیچ تصویر قابل اعتمادی از شهبانوی ساسانی با تاج کنگره‌دار در دست نداریم. در دو مهر ساسانی که تنها نمونه‌هایی هستند که وجود تصویر شهبانوی ساسانی روی آنها با نوشته تأیید شده است، شهبانوها نوع دیگری از کلاه بر سر دارند.^۲ تنها تصویر محتمل از شهبانوی ساسانی در تاج کنگره‌دار بر روی مهری از مجموعه سابق م. فروغی^۳ یافت شده است؛ متأسفانه هیچ نوشته‌ای برای شناسایی چهره روی مهر وجود ندارد، اما باید توجه داشت که تاج کنگره‌داری که روی سر زن قرار دارد ترکیبی از کلاه و تاج است و با کلاه زن در نقش برجسته نرسه و سکه هرمزد اول یکسان نیست.

۱. اگرچه باید یادآور شد که در هیچ‌کدام از نقش برجسته‌های ساسانی تصویر اهوره مزدا کاملاً مطابق با تصویر شاه نیست؛ بارزترین تفاوت این است که خدای بزرگ زردشتی تاج بدون پوشش و کنگره‌داری بر سر دارد.

2. Gignoux Ph., Gyselen R. Sceaux de femmes à l'époque sassanide // *Archaeologia Iranica et Orientalis. Miscellanea in Honorem Louis Vanden Berghe*. Gent, 1989. . 23° 24

3. Ghirshman R. *Iran. Parthians and Sassanians*. L., 1962. Fig. 294.b.

فرضیه شهبازی توسط تعدادی از پژوهشگران حمایت شد،^۱ به ویژه لازم است بر روی مقاله اخیر و. ویر تأملی داشته باشیم که به شهبانو بودن پیکر زن در نقش برجسته نرسه اشاره دارد و کلیت این ترکیب بندی را مراسم نمادین «بازگشت خورنه» که در حلقه خانواده جشن گرفته می‌شود، تفسیر می‌کند.^۲ علاوه بر این- در تکمیل مشاهداتی که توسط شهبازی بیان شد- این استدلال را از نقطه نظر شمایل‌نگارانه این چنین می‌توان خلاصه کرد:

۱. صحنه انتقال تاج پادشاهی در مرکز این ترکیب بندی نیست.

۲. در ترکیب بندی، پیکره نرسه به علت تاج از جایگاه بالاتری برخوردار است.

۳. این نرسه است که دیهیم را به زن می‌دهد، نه برعکس.

سعی می‌کنیم این اظهارات را یکی پس از دیگری تجزیه و تحلیل کنیم:

قبل از هر چیز باید گفت هیچ ضرورتی ندارد که صحنه انتقال دیهیم در نقش برجسته ساسانی لزوماً در مرکز ترکیب بندی قرار گیرد. برای مثال نقش برجسته اردشیر اول در نقش رجب از این نامتقارن تر است و کمی به سمت راست متمایل است.^۳ پیکره نرسه، در حقیقت بخاطر بلندی تاج بلندترین شخص به نظر می‌آید. با این حال این موضوع به هیچ وجه شاهدهی بر جایگاه بالاتر شاه در مقابل زن نیست. در مقابل، بیشتر احتمال می‌رود این آغاز روند اعتلای پیکر پادشاه در هنر ساسانی باشد، روندی که در نقش برجسته خسرو دوم در طاق بستان به اوج خود می‌رسد، جایی که شاه به طرز قابل توجهی در مقابل اهوره مزدا و پیکر زن، قد برافراشته است.

صرف نظر از این که آن دست نرسه که به سوی دیهیم دراز شده است به شدت آسیب دیده، هیچ شکی نیست که زنی که دیهیم را در دست می‌فشارد این نماد قدرت را به شاه می‌دهد و نه برعکس. احتمالاً نرسه مانند اردشیر در نقش رستم فقط دستش را به سمت دیهیم دراز کرده است.^۴ اتفاقی نیست که پیکر کوتوله ای که بین شاه و زن واقع شده به حالت پرستش و ستایش به طرف زن برگشته است و به وضوح گویای این است که زن در جایگاه «والامقام ترین» شخصیت در این ترکیب بندی قرار دارد. و بر برای تفسیر این صحنه چنین استدلال می‌کند که از آنجا که نرسه در آن موقع نقش برجسته ای داشت که مراسم

۱. برای نمونه: مقاله ام. بروسیوس در دانشنامه ایرانیکا با نام زنان در ایران پیش از اسلام:

Brosius M. Women In Pre-Islamic Persia EIr. Online Edition. March 15, 2010, available at <http://www.iranicaonline.org/articles/women-i>.

2. Weber U. Zu den Feldbildnissen des Koenigs Narseh.

3. Vanden Berghe L. Reliefs rupestres de l Iran ancient. 51.

4. Ibid. 53.

تاجگذاری^۱ را به نمایش بگذارد نیازی به یک نقش برجسته دیگر برای طرح صحنه مشابه وجود نداشت. برای رد این مدعا کافی است که به یاد داشته باشیم که شاپور اول دو نقش برجسته با مضمون تاجگذاری و پدرش اردشیر اول بنیانگذار پادشاهی ساسانی، سه نقش برجسته از خود برجای گذاشته‌اند. در مورد اینکه تاریخ نقش برجسته نقش رستم به نیمه دوم حکومت نرسه بازمی‌گردد، برخلاف آنچه که وبر اصرار دارد، نیازی به بازنگری در تفسیر سنتی نیست؛ چنانچه صحنه‌های تاجگذاری حجاری شده توسط شاهان ساسانی در مقاطع مختلفی از دوران پادشاهی شان ایجاد شده و تنها با زمان رسیدن به تاج و تخت ارتباط ندارد.^۲

بنابراین چنین می‌توان نتیجه گرفت که استدلال شهبازی و وبر بر دلایل متقنی استوار نیست. دلیل محکمی وجود ندارد که تردید کنیم که بیکر زن در نقش رستم متعلق به بغبانو است که دیهیم پادشاهی را به سمت نرسه دراز می‌کند، همان گونه که در نقش برجسته اردشیر او دیهیم را از دست اهوره‌مزدا دریافت می‌کند. تصاویر چهره زن بر روی سکه‌های هرمزد اول و بهرام دوم نیز بغبانو هستند، چنان‌که تصویر زن در نقش برجسته خسرو دوم در طاق بستان نیز متعلق به بغبانو است. با همه این اوصاف، آیا همه این تصاویر دقیقاً بغبانو آناهیتا را نشان می‌دهند؟

متأسفانه، برخلاف اهوره‌مزدا در نقش برجسته اردشیر اول، تصویر بغبانو در نقش برجسته نرسه در نقش رستم با هیچ کتیبه‌ای همراه نیست. با این حال با توجه به جایگاه مهم آناهیتا در سنت زردشتی، و اهمیت ویژه او برای خاندان پادشاهان ساسانی^۳ و بخصوص این واقعیت که آناهیتا تنها بغبانویی است که در کتیبه‌های ساسانی از او یاد شده بیشترین احتمال آن است که تصویر ایزدانوی نقش برجسته نقش رستم متعلق به آناهیتاست. به سختی می‌توان این را به حساب تصادف محض گذاشت که نرسه یگانه پادشاه ساسانی است که در کتیبه‌اش از «آناهیتا بانو» (an l d b n) یاد کرده‌است، او همچنین میان همه پادشاهان ساسانی، یگانه پادشاهی است که در حالی تصویر شده است که دیهیم پادشاهی را نه از دست اهوره‌مزدا که از دست یک زن دریافت می‌کند.^۴

۱. در نقش برجسته برادرش بهرام دوم که در کتیبه آن که اسم بهرام طی نمونه خاصی از خاطره زدایی *domnatio memoria* به نرسه تغییر کرد. (62). (Vanden Berghe L. Reliefs rupestres de l Iran ancien).

۲. برای نمونه بنگرید به کتیبه‌های اردشیر اول. تاریخ دقیق و ترتیب این کتیبه‌ها به طور دقیق معین نشده اما شکی نیست که در مقاطع مختلفی از دوران پادشاهی بنیانگذار شاهنشاهی ساسانی ایجاد شده‌اند.

۳. بر طبق تاریخ طبری، ساسان، پدر بزرگ اولین پادشاه ساسانی اردشیر، متولی معبد آناهیتا در اصطخر پارس بود.

4. Paikuli 9. 19 (Hambach H., Skjervo P.O. The Sasanian Inscription of Paikuli. Pt. 3.1. Restored Text and Translation. Wiesbaden, 1983. 35).

نرسه قبل از رسیدن به تاج و تخت ساسانی حکومت ارمنستان را بر عهده داشت. از منابع ارمنی می‌توان به این نتیجه رسید که انائیت در مجموعه خدایان پیشامسیحی ارمنستان نقش مهمی را ایفا می‌کرده و شاید حتی اهمیت و محبوبیتی فراتر از آرامزدا داشته‌است از آنجا که نام او گاهی پیش از نام آرامزدا ذکر شده و در میان دیگر خدایان نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده‌است.^۱ به‌گفته مورخان ارمنی، آناهیتا تنها بغ‌بانویی بود که سه معبد به او تعلق داشت در حالیکه خدایان دیگر از جمله آرامزدا، هرکدام فقط یک معبد داشته‌اند.^۲ می‌توان تصور کرد نرسه در زمان حکومت در ارمنستان به کیش بسیار محبوب پرستش این بغ‌بانو در آن منطقه گرویده و این مسئله بعدها در کتیبه پایکولی و نقش برجسته نقش رستم منعکس شده‌است.

جالب اینجاست که یگانه تصاویر قابل اعتماد آناهیتا در جهان ایرانی در آسیای میانه یافت شده و به دوره کوشانی-ساسانی مربوط می‌شود، تصویر او روی سکه کوشانشاهان (پادشاهان ساسانی - کوشانی) از جمله اردشیر اول، اردشیر دوم (نیمه دوم قرن سوم م) و هرمزد اول (ثلث اول قرن چهارم م) دیده شده‌است (تصویر ۹).^۳

اهمیت منحصر به فرد آنها در این است که این‌ها تنها تصاویری هستند که در آن بغ‌بانو با نوشته مربوط به آن شناسایی شده‌است. این مسئله که نوشته‌ها نه به زبان باکتریایی بلکه به زبان فارسی میانه نوشته شده، به نظر من شهادی بر نفوذ مستقیم ساسانیان است، علاوه بر این الگوی یکسان «آناهیتا بانو» همانطور که قبلاً دیدیم در پایکولی نیز آمده‌است. آناهیتا در میان خدایان فوق‌العاده متنوع کوشانی حضور ندارد، و

1. *Agath'angelos*. XLIII. 68 (*Agath'angelos*. History of the Armenians)

۲. بنگرید به:

Agath'angelos. History of the Armenians... 440.

۳. بر روی سکه هرمزد اول

Cribb J. Numismatic Evidence for Kushano-Sasanian Chronology // SI. 1990. 19. P. 151° 195. 5

این نوشتار به وضوح قابل تشخیص است: «آناهید بانو». (n hyt ZY MROTA (an ld b n g). خوانش متن روی سکه اردشیر اول:

Cribb J. Numismatic Evidence... 16.

از جهاتی بسیار مشکل‌تر است، زیرا در بهترین نمونه‌ها نیز تنها می‌توان چهار حرف را تشخیص داد که با نام این ایزدبانو در تطابق است: n]([y]t ZY ([M](RWTA). نام حک شده بر پشت سکه اردشیر دوم(؟) (Cribb J. Numismatic Evidence... ۱۷) کاملاً ناخواناست، اما بر پایه شمایل نگاری می‌توان تأیید کرد که روی سکه نیز تصویر همان بغ‌بانویی است که بر روی سکه اردشیر اول نقش بسته‌است.

نام‌هایی که از نام آناهیتا مشتق شده در میان نام‌های خاص باکتریایی دیده نشده است؛ بنابراین علی‌رغم اشاره به نام آناهیتا در اوستا، به نظر می‌آید پرستش آناهیتا که در میان ساسانیان رایج بود پس از اینکه باکتریا تحت حکومت شاهان ایرانی درآمد به آن منطقه نیز نفوذ کرد.



تصویر ۹: پادشاه در مقابل مجسمه بغبانو (؟)، روی دیگر سکه کوشانشاه اردشیر دوم (؟)

(Schindel N. Ardashir II Kushanshah and Huvishka the Kushan: Numismatic Evidence for the Date of the Kushan King, Kanishka I // JONS. 2009. 198. 12° 14)

در سکه‌های اردشیر اول و اردشیر دوم کوشانشاه، بغبانو تاجی بر سر دارد که یادآور تاج کنگره‌دار بغبانوی ساسانی است. آناهیتا بر پشت سکه هرمزد اول کوشانشاه در حجاب غیرمعمول ذوزنقه ای شکل، با شال و دیهیم به تصویر درآمده است. جالب است که اولین ظهور آناهیتا در باکتریا (بر سکه اردشیر اول کوشانشاه) احتمالاً همزمان با اولین تصویر او در ایران بر روی سکه هرمزد دوم است؛^۱ پرستش آناهیتا ظاهراً در اوایل دوره کوشانشاهان از منطقه باکتریا شروع شد و به مناطق سغد و خوارزم

۱. ترتیب دقیق شاهان ساسانی-کوشانی همچون گذشته محل بحث است. بنگرید به:

Cribb J. Numismatic Evidence... Grenet F., Lee J., Martinez Ph., Ory F. The Sasanian Relief at Rag-i Bibi (Northern Afghanistan) // After Alexander. Central Asia before Islam / Ed. J.Cribb, G.Herrmann. Oxf., 2007 (Proceedings of the British Academy. 133). 17.

رسید، زیرا از وجود نام ناهیتاک (nAhItAk) در اسناد توپراق قلعه^۱ می‌توان نتیجه گرفت که آیین پرستش آناهیتا در خوارزم در قرن سوم میلادی شناخته شده بود. برخلاف مجموعه اسامی خاص باکتریایی، در سغد نام‌های مشتق شده از آناهیتا بسیار به چشم می‌خورد،^۲ با این حال حتی یک تصویر معتبر منتسب به او موجود نیست؛ محتمل‌ترین گزینه برای آناهیتای سغدی، نقاشی دیواری محراب شمالی در معبد دوم پنجکنت تاجیکستان است.^۳ علی‌رغم تفاوت در تعلقات، حالت و پوشش و تاج آناهیتا به طرز شگفت‌آوری با تصویر این بغ بانو بر روی سکه اردشیر اول کوشانشاه هماهنگ است. ب.ای. مارشاک^۴ اولین کسی بود که به این شباهت توجه کرد و پس از آن مطرح کرد که بغ بانوی معبد پنجکنت می‌تواند تصویر بغ بانو آناهیتا باشد.^۵ نکتهٔ جالب توجه اینجاست که تمام داده‌های مربوط به آیین پرستش آناهیتا در آسیای مرکزی مربوط به تاریخ پس از قرن ۶ میلادی است. شاید این مسئله که آناهیتا که توسط ساسانیان از غرب آورده شد، نتوانست در این منطقه ریشه بدواند به این دلیل باشد که آیین پرستش خدای آب باستانی و محبوب دیگری بنام «اوکسا» (oxa) که تشخیص یافته رود بزرگ جاری در آسیای میانه (آمودریا) بود در این منطقه رواج داشت. شواهدی از رواج آیین پرستش اوکسا در باکتريا و سغد از آغاز دوره هخامنشی تا زمان حمله اعراب بدست آمده‌است. با این اوصاف می‌توان چنین فرض

1. . . . // II. . . .
IV° II, 2004. C. 191.
2. *Lurje P.B.* Personal Names in Sogdian Texts. Wien, 2011. 94° 95.
3. Belenitskii A.M., Marshak B.I. The Paintings of Sogdiana // Sogdian Painting. The Pictorial Epic in Oriental Art / Ed. G.Azarpay. Berkeley; Los Angeles; L., 1981. Fig. 34; (V° VIII .).
2009. . 72. 121
4. . . .
5. . . . V° VIII . . . //
. . . ., 1999. 183.

ف. گرنه نیز همان نظر را دارد:

Grenet F. Crise et sortie de crise en Bactriane-Sogdiane aux Ives^e Ve siècles: de l'héritage antique à l'adoption de modèles sassanides // La Persia e l'Asia Centrale da Alessandro al X secolo. Rome, 1996. P. 388.

با این حال گ. آذری در مقالهٔ اخیرش پیشنهاد کرد آن را تصویر سغدی از دتنا بشناسیم:

Azarpay G. Imagery of the Sogdian D n // Florilge offert à Philippe Gignoux pour son 80e anniversaire / Ed. by R.Gyselen, C.Jullien. P., 2011. P. 58, 75.

کرد که در مجمع خدایان باکتریایی و سغدی جایی برای یک خدای آب دیگر نبود، ضمن آنکه خویشکاری‌های دیگر آناهیتا نیز در حوزه مسئولیت ایزدبانوی بزرگ آسیای میانه نانا بود. در نتیجه‌گیری، می‌خواهم بار دیگر بر این نکته تأکید کنم که هیچ دلیل کافی برای شک در این مسئله که زن نقش برجسته نرسه تصویر یک بغ بانو است وجود ندارد. علی‌رغم نبود کتیبه همراه نقش برجسته، به احتمال زیاد تصویر متعلق به آناهیتاست، که احتمالاً از سوی نرسه بسیار مورد احترام بود. به قیاس اهوره مزدا می‌توان فرض کرد تصویر آناهیتا با تاج کنگره‌دار بدون حجاب در نقش برجسته نرسه، آرایه متمایز او در هنر ساسانی بود؛ بنابراین بغ بانوی برسم در دست روی سکه‌های هرمزد اول نیز بغ بانو آناهیتا را به تصویر می‌کشد. با این حال بر اساس نقش برجسته خسرو دوم در طاق بستان و سکه‌های بهرام دوم (اگر تصویر زن روی آنها نیز واقعاً متعلق به آناهیتا باشد)، احتمالاً با تاج‌های دیگر نیز به تصویر کشیده شده‌است.

